



بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: احکام / امریه معروف و نھی از منکر

وحدت یا تعدد مخاطب در تکلیف امریه معروف

بحث دیگری که در مبحث امریه معروف و نھی از منکر وجود دارد این است که آیا مکلف و مخاطب در تکلیف امریه معروف و نھی از منکر، مکلف و مخاطب واحد می باشد یا اینکه مخاطب و مکلف های متعدد می باشد؟

رویکرد اول: وحدت خطاب

بیان و رویکرد اول در این مسئله که در موسوعه و کلمات برخی فقها وجود دارد این است که خطاب در تکلیف امریه معروف و نھی از منکر یکی است و مخاطب هم همان مطلق مکلفین با همان شرایط عامه می باشند و خطاب یکی و ناظر به همه مسلمین می باشد البته در مقام فعلیت و تنجز و امتثال، طبقاتی از مکلفین در جامعه مانند علما و صاحبان قدرت به دلیل وجود علم و قدرت و نفوذ آنها مصداقیت بیشتری برای این خطاب واحد دارند ولی درهرحال یک خطاب علی السویه برای همه مکلفین وجود دارد و واجب کفایی واحد وجود دارد که بالعرض چه بسا با توجه به شرایطی برای اشخاصی مانند فرهیختگان و صاحبان قدرت، این وجوب کفایی تعیین پیدا می کند و عینی می شود و دایره شمول آن بیشتر می شود و علت این امر هم وجود علم و آگاهی این طبقات، داشتن قدرت برای این دسته که بالتبع موجب کاهش ضرر و زیان های احتمالی و همچنین احتمال تأثیر و نفوذ بیشتر امریه معروف توسط این افراد نسبت به دیگر اشخاص، می شود.

رویکرد دوم: تعدد خطاب در تکلیف امریه معروف

رویکرد دوم در این مسئله این است که خطاب در تکلیف امریه معروف و نھی از منکر، خطاب واحدی نیست بلکه خطاب های متعدد وجود دارد و حداقل این است که در مورد چهار گروه متنفذین و علما و حکومت و خانواده خطاب های متفاوتی نسبت به خطاب های مطلق امریه معروف و نھی از منکر وجود دارد. در برخی از آیات و روایات خطاب های مستقلی نسبت به علما وجود دارد و در برخی از آیات نیز خطاب مستقلی نسبت به صاحبان قدرت و حکومت وجود دارد مانند آیه «الَّذِينَ إِن مَكَّانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» حج/۱۴ در بحث حکومت بیان شد که حکومت وظایف متعددی دارد و بیان شد که نگاه اسلام به حکومت صرفاً یک نگاه و دید رفاهی نیست بلکه حکومت در زمینه فرهنگ هم دارای وظیفه می باشد و اصولاً این احتمال که حکومت در مباحث فرهنگی وظیفه ای ندارد احتمالی ناصحیح و به اصطلاح نیش قولی می باشد و حتی حکومت های لیبرالیستی هم در حکومتشان توجه دید فرهنگی وجود دارد. در مورد علما



هم خطابات ویژه‌ای نسبت به امریه معروف و نهی از منکر در روایات وجود دارد مانند آنچه امام حسین در قیامشان به آن استناد می‌کردند و یا روایات معتبری در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» التحريم/۶ آمده است که مراد از این آیه، امریه معروف و نهی از منکر نسبت به اعضای خانواده می‌باشد و در موسوعه نیز در مورد خانواده به وجود خطابات مستقل اشاره شده است.

تفاوت دوروی کرد فوق

تفاوتی که در این دو رویکرد وجود دارد این است که در صورت تعدد خطاب علاوه بر اینکه وقتی دو خطاب در یکجا جمع شوند، تأکیدی نسبت به وجوب به وجود می‌آید، چه بسا خطاب خاص دارای شرایط ویژه‌ای نسبت به خطاب عام باشد مثلاً بگوئیم احتمال ضرر و زیان مانع فعلیت یا تنجز حکم نمی‌شود ولی اگر خطاب را در همه موارد یکی دانستیم همه شرایط عامه امریه معروف و نهی از منکر حتی در مورد علما و صاحبان قدرت هم وجود دارد و در مورد این طبقات شرایط خاصی نسبت به دیگران وجود ندارد.

نظر استاد: تعدد خطاب در امریه معروف و نهی از منکر

در این مسئله ما احتمال و روی کرد دوم که وجود خطابات مستقل علاوه بر خطاب عام را ترجیح می‌دهیم. بنابراین علاوه بر خطاب و فرمان عمومی امریه معروف و نهی از منکر، خطابات خاصی نسبت به علما، حکام، متنفذین و همچنین خانواده وجود دارد که می‌شود پنج خطاب و در مواردی که این خطابات جمع شود، وجوب، تأکید پیدا می‌کند البته تفاوت‌هایی هم بین این عناوین وجود دارد مثلاً در خطاب خاص نسبت به خانواده دایره شمول خاص و نسبت به خانواده است ولی در دیگر خطابات دایره شمول آن عام است. این بحث تعدد یا وحدت خطاب در مورد آیه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» الشعراء/۲۱۴ نیز وجود دارد. در مورد این آیه این سؤال وجود دارد که در مورد عشیره پیامبر خطاب خاصی نسبت به انذار وجود داشته و پس از آن حکم به عمومیت انذار شده است و یا اینکه حکم عام بوده و وحدت خطاب وجود دارد منتها با توجه به شرایط به پیامبر امر شده که از خانواده خود انذار را شروع کند.

موارد اتصاف حرمت به امریه معروف و نهی از منکر

بیان شد که امریه معروف در مواردی واجب و در مواردی مستحب می‌باشد. سؤالی که در اینجا وجود دارد این است که آیا امریه معروف و نهی از منکر علاوه بر اتصاف به وجوب و استحباب به سه حکم حرم و کراهت و اباحه هم متصف می‌شود یا خیر؟ در مورد حرمت باید گفت آری در مواردی امریه معروف متصف به حرمت می‌شود.



مورد اول: وجود عناوین ثانویه اهم و حرام

یکی از مواردی که امریه معروف و نهی از منکر متصف به حرمت می شود جایی است که عناوین ثانویه محرمی عارض بر امریه معروف و نهی از منکر شود و آن عنوان ثانوی اهم باشد. مانند اینکه درجایی امریه معروف موجب فتنه و آشفتگی اجتماعی وسیع شود و یا اینکه موجب وهن اسلام و یا قتل شود در این موارد امریه معروف و نهی از منکر حرام می باشد. برای نمونه کم نبوده مواردی که امام علی علیه السلام با آنکه در قدرت بوده است و یا اینکه می توانسته امریه معروف و نهی از منکر کند اما به علت وجود همین عناوین ثانویه، امریه معروف و نهی از منکر نکرده است. این ابی الحدید می گوید در سیاست امیرالمؤمنین و زیرکی سیاسی او همین کافی است که در فتنه قتل عثمان که کل جامعه دو گروه شد و به شدت یکدیگر را متهم به کفر و قتل می کردند و فاصله زیادی بین مردم به وجود آمده بود، تا سال ها و مدت ها دو طرف با امیرالمؤمنین خیلی خوب بودند. امیرالمؤمنین با هر دو رابطه داشت، تا رسید به جاهایی که دیگر نمی شد. در این مورد نظر امام مشخص بود ظلم را جایز نمی دانست و هرچند فی حد نفسه می توانست امریه معروف کند اما برای وجود عناوین ثانویه امریه معروف نمی کردند.

تراحم امریه معروف و ایذا مؤمن

سؤال و نکته ای که در اینجا مطرح است در مورد تراحم امریه معروف و نهی از منکر با عناوینی مانند ایذا و آزار دیگران می باشد. به طور قطع اگر امکان اینکه امریه معروف به گونه ای انجام شود که مستلزم این عناوین نباشند مثل اینکه در خفا انجام شود، در این صورت باید به همان شیوه امریه معروف و نهی از منکر صورت گیرد اما آیا عنوان ایذا مؤمن این اندازه اهمیت دارد که مانند قتل، فتنه و فساد مطلقاً قائل به تقدم آن بر امریه معروف شویم حتی در درجات پایین ایذا یا خیر؟ در جواب باید گفت این قاعده کلیت ندارد چون در هر صورت امریه معروف و نهی از منکر مقتضی درجه و نوعی از ایذا و آزار دیگران می باشد و در غالب موارد این درجه پایین آن وجود دارد لذا باید نسبت به مصادیق آن اهمیت هرکدام را سنجید. امریه معروف و نهی از منکر دارای درجات و مراتبی است و به خلاف برخی دیگر از محرمات و واجبات مانند شرب خمر و نماز که تقریباً درجه واحدی دارند و در مقام رفع تراحم به آسانی می توان حکم کلی به تقدم یکی از طرفین کرد اما در مورد امریه معروف نمی توان به راحتی حکم کلی به تقدم یکی از طرفین دارد و مصادیق باید ملاحظه شود مثلاً چه بسا در مورد حرمت تراشیدن ریش که گناه صغیره است چه بسا حرمت ایذا غیر مقدم باشد اما در مورد شرب خمر یا بدعت، امریه معروف مقدم بر حرمت ایذا غیر باشد.



مورد دوم: انتفاء برخی شرایط جواز امریه معروف

یکی دیگر از مواردی که امریه معروف و نهی از منکر متصف به حرمت می شود جایی است که برخی شرایط جواز امریه معروف و نهی از منکر وجود نداشته باشد. در مبحث آینده بیان خواهد شد که برخی از شرایط امریه معروف و نهی از منکر شرط جواز و برخی دیگر شرط وجوب امریه معروف و نهی از منکر می باشند که در صورت عدم وجود شرایط جواز مانند عدم ضرر (حداقل در برخی مراتب) حکم به حرمت امریه معروف و نهی از منکر می شود.

مباح بودن امریه معروف در تزامم با عناوین ثانویه مساوی

در مواردی که امریه معروف و نهی از منکر با عناوین ثانویه محرمه تزامم کنند و یکی از آن دو نسبت به دیگری اهم نباشد و متساوین باشند، حکم به مباح بودن امریه معروف و نهی از منکر می شود و تبعاً شخص مخیر به انجام طرفین می باشد. همان طور که سابقاً نیز گفتیم بخشی از اختلافاتی که گاهی مراجع و برخی علما در مسائل اجتماعی دارند مثلاً اینکه یکی امریه معروف می کند و دیگر سکوت می کند به خاطر همین مطلب است که در تزامم و تساوی طرفین هر کدام طرفی را برمیگزیند البته گاهی نیز به خاطر کارشناسی فقهی یکی از علما طرفی را اهم می داند و عالمی دیگر طرف دیگر را اهم می داند و گاهی نیز این اختلاف به خاطر کارشناسی های موضوعی می باشد.